



(CC BY 4.0) Creative Commons Attribution 4.0 International License

 <https://doi.org/10.22067/PG.2024.83731.1229>

پژوهشی

بررسی عوامل مرتبط با گرایش و گسترش قاچاق کالا در استان هرمزگان

منصوره دسترنج (گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. نویسنده مسئول)

md.dastranj@pnu.ac.ir

فوزان امیری (گروه مدیریت، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران)

foujanamiri@pnu.ac.ir

چکیده

قاچاق کالا از جرائم مهمی است که اکثر کشورها به گونه‌های مختلف با آن سروکار دارند. همچنین قاچاق کالا پدیده‌ای شوم است که تأثیرات مخرب و خسارت‌های جبران‌ناپذیری را در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، امنیتی و... وارد می‌کند. پیش‌شرط اساسی برای مبارزه با قاچاق، شناسایی عواملی است که منجر به شکل‌گیری آن می‌شود. این پژوهش باهدف تبیین و بررسی علل وابسته به تمایل و همچنین گسترش پدیده قاچاق کالا در استان هرمزگان انجام شده است. جامعه آماری شامل قاچاقچیان دارای سابقه قاچاق کالا در استان هرمزگان که به‌صورت کل شمار ۲۰۰ نفر به روش نمونه‌گیری هدفمند و در دسترس به‌عنوان نمونه انتخاب گردیدند. این تحقیق با روش پیمایشی و با استفاده از تکنیک پرسشنامه انجام گرفته است. پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها، داده‌ها به‌وسیله نرم‌افزار آماری spss تجزیه و تحلیل شده است. جهت بررسی فرضیه‌های تحقیق از آزمون‌های رگرسیون و تحلیل واریانس استفاده شده است. ابتدا جدول‌های مربوط به آزمون فرضیه‌ها، محاسبه و سپس معادله پیش‌بینی مربوط به رابطه متغیرهای مستقل تأثیرگذار بر گسترش و گرایش به قاچاق کالا، محاسبه گردیده است. نتایج تحقیق نشان داده است متغیرهای سن، تحصیلات، عوامل اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، ساختاری، اجرایی-مدیریتی و جغرافیایی با گسترش و گرایش به قاچاق کالا رابطه

معنادار داشته است. از میان عوامل تأثیرگذار، عوامل اقتصادی دارای بالاترین تأثیر و عوامل سیاسی دارای کمترین تأثیر بر گسترش قاچاق کالا می‌باشد. تحلیل رگرسیون مرحله‌به‌مرحله نشان داده است که متغیرهای عوامل ساختاری، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی، جغرافیایی و اجرایی-مدیریتی، ۱/۰۰۰ درصد از تغییرهای واریانس گسترش و گرایش به قاچاق کالا را تبیین می‌نمایند.

واژگان کلیدی: قاچاق کالا، جرم قاچاق کالا، پیامد قاچاق کالا، واردات قاچاق.

۱-مقدمه

جرم قاچاق کالا در عرصه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تأثیر بسیار نامطلوبی دارد؛ در عرصه اقتصادی تولید داخلی را مورد آسیب قرار می‌دهد، در عرصه اجتماعی گرایش به کالاهای خارجی و کاهش سرمایه اجتماعی از طریق عدم اعتماد به کالای داخلی و از لحاظ فرهنگی با ترویج نوع خاصی از کالاها می‌تواند بستری برای تهاجم فرهنگی بیگانه را در پی داشته باشد (Kondori&Sadeghi, 2022:62). اهمیت مبارزه با قاچاق کالا برای پیشرفت اقتصاد ملی همراه با توانمندی‌ها و تقویت تولیدات داخلی از مهم‌ترین برنامه‌های کلان کشور می‌تواند باشد.

مطالعه و ملاحظه آمار و ارقام مربوط به کشفیات قاچاق کالا در شهرستان میناب بیانگر آن است که روند قاچاق کالا روندی روبه رشد و فزاینده دارد. برآوردهای اولیه نشانگر آن است که حجم قاچاق کالا معادل نیمی از صادرات غیرنفتی کشور است (Samadian, et al, 2014: 14). این امر بیانگر وجود یک معضل در سطح ملی است. بر اساس گزارش ارائه‌شده از سوی معاونت امور اقتصادی و بازرگانی وزارت صنعت، معدن و تجارت حجم قاچاق کالا، سالانه بین ۲۵ تا ۳۰ میلیارد دلار برآورد می‌شود (Haraghi, et al., 2020: 125). با در نظر گرفتن حجم عظیم کالای قاچاق در کشور و همچنین تبعات منفی که این‌گونه تجارت بر اقتصاد دارد ریشه‌یابی علل بروز قاچاق کالا ضروری می‌باشد.

استان‌های جنوبی کشور از لحاظ جغرافیایی و اقتصادی از موقعیتی استراتژیک و حساس برخوردار هستند، به دلیل عدم امکان نظارت دقیق و مؤثر بر شناورهای موجود در خلیج فارس و دریای عمان این استان‌ها از جمله نواحی قابل توجه برای واردات قاچاق محسوب می‌شوند. اسکله‌های متعدد ورود و صدور کالا و حجم عظیم بار و مسافر در این مناطق عامل دیگر زمینه‌ساز قاچاق کالا در استان‌های جنوبی کشور است.

یکی از استان‌های جنوبی درگیر با قاچاق کالا، استان هرمزگان است. با توجه به اینکه مصادیق مختلف قاچاق کالا در محدوده استان هرمزگان به‌عنوان یکی از معضلات کنونی این استان، دغدغه مسئولین و دست‌اندرکاران امر مبارزه با آن و گسترشش می‌باشد و علاوه بر این، وقوع جرائم مرتبط با آن، موجب بروز مسائل اجتماعی و فرهنگی در این استان و حتی در سطح کشور می‌شود و همه‌ساله بخش مهمی از توان، انرژی، بودجه، امکانات و تجهیزات کشور که باید در جهت توسعه به کار رود، صرف مبارزه و مقابله با این جرائم می‌شود. به‌منظور به حداقل رساندن ارتکاب این جرائم ضرورت دارد، شناسایی عوامل مؤثر بر این پدیده ناهنجار اقدامات اساسی صورت گیرد و تدابیر و راهبردهای مقابله و کنترل و پیشگیری متناسب با آن تعیین و اجرا گردد. در این راستا هدف اصلی پژوهش حاضر شناسایی عوامل زمینه‌ای بروز قاچاق کالا از جمله عوامل اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی، سیاسی، ساختاری، جغرافیایی، اجرایی-مدیریتی می‌باشد. بر این اساس سؤال اصلی پژوهش عبارت است از اینکه چه عواملی باعث گسترش و گرایش به قاچاق کالا در استان هرمزگان می‌شود؟

۲- پیشینه و مبانی نظری پژوهش

بوهن (۲۰۰۸) معتقد است که با توجه به محدودیت‌هایی همچون؛ رشوه‌گیری و فساد مقامات دولتی، خلع‌های قانونی، تعرفه‌های بالا و بیکاری زیاد، سطح پایین خدمات و امکانات، مرز نشینان به قاچاق کالا به‌عنوان راهکاری مطمئن جهت کسب درآمد و گذران معیشت روی می‌آورند (Buehn, 2008: 28).

آرگبین^۱ (۲۰۱۲) در مقاله‌ای به بررسی علل، شدت و زیان‌های قاچاق در نیجریه پرداخته است. نتایج مطالعه نشان می‌دهد که عواملی مانند ضعف قوانین، فساد اداری، پایین بودن کیفیت کالاهای داخلی و عدم هماهنگی میان سازمان‌ها و ادارات از مهم‌ترین عامل در گسترش قاچاق در نیجریه بوده است.

اسفیری‌دیس^۲ و همکارانش (۲۰۱۷) در مقاله‌ای با عنوان شناسایی کشتی‌های حامل مهاجران با استفاده از یادگیری ماشینی به بررسی گذرهای نامنظم به اروپا از طریق مسیرهای دریایی و شناسایی کشتی‌های قاچاق احتمالی با استفاده از روش‌های تشخیص ناهنجاری و دستگاه‌های پشتیبانی پرداختند. این مقاله همچنین بر اهمیت طراحی ویژگی مبتنی بر واقعیت، در دسترس بودن داده‌ها و قابلیت اطمینان در تشخیص رفتارهای کشتی‌های قاچاقچیان تأکید کرد.

داهاری^۳ و همکارانش (۲۰۱۹) در مقاله‌ای بنام عوامل خارجی مؤثر بر قاچاق سلاح‌های سبک در مرز مالزی و تایلند اشاره کردند که عوامل داخلی و خارجی به‌عنوان عوامل تأثیرگذار که به قاچاق اسلحه‌های کوچک و سلاح‌های سبک^۴ به مالزی و جرائم مرتبط با آن توسط بازیگران غیردولتی شناسایی شده‌اند. عدم همکاری اختصاصی بین کشورها و عدم دسترسی و به اشتراک گذاشتن اطلاعات لازم از آژانس‌های مربوطه به افزایش قاچاق کمک می‌کند.

رحمانی پور و مرادی دیزگرانی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای به تبیین عوامل مؤثر بر گرایش به قاچاق کالا در استان کرمانشاه پرداخته‌اند. نتایج این تحقیق نشان داد که هفت عامل هزینه‌های مالیاتی و گمرکی، میزان بالای بیکاری، سودآوری بالای قاچاق، پایین بودن کیفیت محصولات داخلی، شرایط جغرافیایی، ناکارآمدی بوروکراسی اداری و کنترل نامناسب مرزها در گرایش به قاچاق کالا مؤثر هستند.

کریم زاده (۱۳۹۵) در تحقیقی به بررسی عوامل مؤثر بر قاچاق کالا و تأثیر آن بر اقتصاد شهرستان مرزی سراوان پرداخته است. نتایج پژوهش نشان داد که عوامل جغرافیایی، اقتصادی، فرهنگی-اجتماعی و عوامل اجرایی در گسترش و گرایش به قاچاق کالا تأثیرگذار بوده است.

1. Aregbeyen

2. Sfyridis

3. Dahari

4. SALW

سعدی (۱۳۹۶) در مطالعه‌ای به واکاوی و تحلیل عوامل مؤثر بر قاچاق کالا در مناطق مرزی شهرستان مریوان پرداخته است. بر اساس نتایج به دست آمده از پژوهش به ترتیب عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، اداری و مدیریتی بیشترین تأثیر در افزایش و رواج قاچاق کالا داشته‌اند.

حراقی و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی به بررسی علل گرایش برخی از مرزنشینان به قاچاق کالا در استان بوشهر پرداخته‌اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد رابطه معناداری بین عوامل اقتصادی، فرهنگی-اجتماعی، ساختاری، جغرافیایی، سیاسی و حقوقی با گرایش به قاچاق کالا وجود دارد.

امروزه پدیده قاچاق به عنوان یک تهدید جدی بر سر راه تجارت آزاد قرار دارد. هرچند بحث قاچاق منحصر به اقتصاد ایران نیست، اما این مسئله در کشور ما به دلیل شرایط خاص جغرافیایی برای ورود و خروج کالا و نیز نبود شرایط باثبات در کشورهای همسایه بسیار قابل توجه است (Kohnepooshei & Shayan, 2013: 52). قاچاق کالا به نظام اطلاعات اقتصادی کشورها آسیب می‌رساند و امکان برنامه‌ریزی برای رشد بلندمدت را از بین می‌برد و از سوی دیگر باعث کاهش درآمدهای دولت و به هم خوردن تعادل میان بخش‌های تولیدی، بازرگانی و عرضه کالا می‌شود (Karimzadeh, 2017: 18). بنابراین قاچاق کالا به واسطه ماهیت پنهان خود علاوه بر نادیده گرفتن بخش عمده‌ای از عملکرد اقتصادی و حساب‌های ملی کشور، آثار و مسائل عدیده‌ای را بر عرصه‌های تولید و منابع بخش عمومی و اقتصاد ملی تحمیل می‌نماید و بسیاری از سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را در عرصه ملی و استانی دچار مشکل می‌سازد (Gharagoozlo, 2019: 71). تأثیر سوء قاچاق کالا در ایران، به عنوان یک عامل بازدارنده توسعه موجب اختلال در اعمال و اجرای برنامه‌های دولتی شده و در نهایت باعث کاهش رشد و رکود اقتصادی کشور به ویژه در مناطق حاشیه‌ای و استان‌های مرزی شده است

کلمه قاچاق از کلمه ترکی قاچماق مشتق شده است و به معنای ربوده یا برده است و نیز به معنی آنچه ورود آن به کشور و یا معامله آن از طرف دولت ممنوع است تعریف شده است (Dehkhoda, 1961:18). قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲، قاچاق را به این گونه تعریف کرده است: هر فعل یا ترک فعلی که موجب نقض تشریفات قانونی مربوط به ورود و خروج کالا و ارز شود و بر اساس این قانون و یا سایر قوانین، قاچاق محسوب و برای آن مجازات تعیین شده باشد و در مبادی ورودی یا هر نقطه از کشور حتی تا محل عرضه آن در بازار داخلی کشف شود (Mousavi, 2021:17). طبق تعریف سازمان جهانی گمرک (WCO) قاچاق تخلف گمرکی است شامل جابه‌جایی کالا در طول مرز گمرکی به روش مخفیانه و به منظور فرار از نظارت گمرکی (Shayan, 2013: 62 & Kohnehpooshei).

دورکیم^۵ معتقد است که در زمان‌های رکود ناگهانی اقتصادی و یا رشد سریع اقتصادی آشفستگی اجتماعی روی می‌دهد، لذا در شرایط اجتماعی مستحکم و پایدار آرزوهای انسان‌ها از طریق هنجارها تنظیم و محدود شده و در مقابل از هم‌پاشیدگی هنجارها، آرزوهای بی‌حد و حصر اجتماعی و دائمی پدید آورده و فرد برای رسیدن به آرزوهای خود دست به فعالیت‌های مجرمانه از جمله قاچاق می‌زند (Durkheim, 2005:270). در برخی اشخاص، آرزوهای فردی محدود شده در اثر مشکلات اقتصادی با از هم‌پاشیدگی هنجارها مواجه می‌گردد و این پدیده با درجه توسعه‌یافتگی کشورها نسبت مستقیمی برقرار می‌کند. به اعتقاد اشنادر و انست^۶ (۲۰۰۵) هر چه درجه توسعه‌یافتگی کشوری بیشتر باشد، اندازه نسبی اقتصاد سیاه آن کشور کاهش می‌یابد (Schneider & Enste, 2005:637).

علاوه بر اختلالات فردی و انگیزه‌های ایده آل‌گرایانه ناهنجار در افراد، ناهنجاری‌هایی که در سیستم‌های اقتصادی و سیاسی دولت‌ها وجود دارد، باعث بسط و گسترش این پدیده می‌شود. اریک فروم و دیگران (۲۰۰۰) معتقدند که علت افزایش فعالیت‌های اقتصادی ثبت‌نشده در یک کشور، نهادهای سیاسی و اجتماعی دولت هستند. طبق این نظریه بوروکراسی، فساد،

5. Durkheim

6. Schneider & Enste

سیستم ضعیف حقوقی منجر به گسترش اقتصاد غیررسمی می‌شوند. همین‌طور اختلال در ساختارهای جامعه می‌تواند کمک‌کننده به گرایش به پدیده قاچاق را دامن زند. نظریه فشار رابرت کی مرتن یکی از نظریات جرم‌شناسی است که با بررسی ساختارهای موجود در جامعه به تبیین رفتار انحرافی می‌پردازد. مرتن دریافت دو عنصر برای ایجاد شرایط بالقوه آنومیک با هم در تعامل‌اند: اهداف فرهنگی تعریف‌شده و ابزارهای اجتماعی پذیرفته‌شده برای دستیابی به آن‌ها (AsadiFard & Hemmati, 2021:85). پس هم اختلالات فردی و هم مسائل سیاسی و دولتی تأثیرگذار هستند و در کنار آن‌ها ارزش‌های اجتماعی هم نقش به‌سزایی را در گسترش و ایجاد جذابیت و گرایش افراد را به معضل قاچاق ایفا می‌کند. بر اساس نظریه فشار ساختاری مرتن، منشأ انحراف افراد، ساختار و فرهنگ اجتماعی است. از نظر وی زمانی که ارزش‌های اجتماعی سلطه‌هنجاری خود را از دست می‌دهند، جامعه به یک نوع وضعیت بی‌هنجاری مبتلا می‌شود و کج‌رفتاری واکنشی به این وضعیت بی‌هنجاری است و اینجاست که شکاف بین اهداف مقبول و ابزار مشروع جلوه می‌کند (Aslani Aslamarz, et al, 2016:38). مرتن^۷ عدم تعادل بین اهداف و وسایل دستیابی به این اهداف را مورد توجه قرار می‌دهد و بیان می‌دارد بین اهداف و ارزش‌های اقتصادی و فرهنگی یک تعادل وجود دارد و وقتی این تعادل به هم بخورد نظم اجتماعی از بین می‌رود و همین عدم تعادل، علت اصلی جرم از جمله قاچاق خواهد بود. اگر در جامعه ارزش‌های مادی و نیازهای روزافزون به انواع کالاها گسترش یابد، اما درآمد افراد برای دستیابی به این کالاها کافی نباشد، فرد را به فعالیت‌های مجرمانه اقتصادی از جمله قاچاق سوق می‌دهد (Merton, 2003:675). در کنار همه نیازهای بشر چنانچه خواسته‌های فردی رفع نشود، فرد به سمت راه‌های غیرقانونی و ناهنجاری‌های اجتماعی سوق داده خواهد شد. به عبارت دیگر وقتی افراد یک جامعه برای برآوردن خواسته‌هایشان از طریق به‌کارگیری شیوه‌های پذیرفته‌شده فرهنگی و راه‌های قانونی، ناکام می‌شوند به‌سوی راه‌های

7. Merton

غیرقانونی و انحرافی کشیده می‌شوند، بدین ترتیب افراد، ثروت و قدرت را از طریق راه‌هایی چون قاچاق، فحشا، دزدی و ... به دست می‌آورند. محققان دریافته‌اند که همسویی و نقش‌آفرینی در جامعه مهم‌ترین علت بازدارنده از کشش به سمت ناهنجاری‌های اجتماعی چون پدیده قاچاق می‌باشد. به عقیده هیرشی بزه زمانی اتفاق می‌افتد که فرد نسبت به قیدوبندهای اجتماعی کم‌اعتنا و بی‌اعتنا باشد و آن را در چهار مفهوم مطرح می‌کند. هیرشی معتقد است که این چهار عنصر اصلی باعث پیوند فرد و جامعه می‌شوند که فقدان آن‌ها نقش اساسی در درگیر شدن و گرفتاری به بزهکاری را دارند: وابستگی، تعهد، درگیری و اعتقاد. به عبارت دیگر هیرشی علت هم‌نوایی افراد با هنجارهای اجتماعی را پیوند اجتماعی آن‌ها دانسته است. به نظر وی پیوند میان فرد و جامعه، مهم‌ترین علت هم‌نوایی و عامل اصلی کنترل رفتارهای فردی است و ضعف پیوند یا نبود آن موجب اصلی کج‌رفتاری است (Bittinger, 2014:14-19). این تمایل به ناهنجاری‌های اجتماعی می‌تواند از تأثیر یادگیری رفتار اجتماعی هم حاصل گردد. ساترلند معتقد بود که جنایت و انحراف از طریق انتقال فرهنگی در گروه‌های اجتماعی واقع می‌شود. به اعتقاد وی رفتار انحرافی مانند سایر رفتارهای اجتماعی از طریق هم‌نشینی و پیوستگی با دیگران آموخته می‌شود. فرد بزه‌کار در طول حیات خود از طریق پیوستگی و ارتباط با دیگران، انگیزه‌ها و گرایش‌ها، ارزش‌های انحرافی را فرامی‌گیرد. افراد به نسبت هم‌نشینی و ارتباطی که با قانون‌شکنان دارند، کج‌رو می‌شوند (Musaei & Ahmadzadeh, 2011: 70). مطابق نظریه فرصت افتراقی کلوارد^۸ و اوهلین^۹، انگیزه و آرزو برای موفقیت، خودبه‌خود مسئول انطباق با رفتار کج روانه نیست. فرد باید در محیط یادگیری کج روانه یا انطباق‌گرایانه باشد که به او امکان دهد مهارت‌ها و توانایی‌های لازم را یاد بگیرد و عمل کند. صرف اینکه فرصت‌های مشروع در دسترس نیستند، لزوماً به این معنا نیست که فرصت‌های

9. Cloward

10. Ohlin

نامشروع آزادانه قابل دسترس هستند. برخی از نقش‌های نامشروع ممکن است در دسترس باشند ولی برخی دیگر ممکن است اصلاً در دسترس نباشند. همان‌طور که دسترسی نابرابر به الگوها و فرصت‌ها برای انجام نقش‌های انطباقی وجود دارد، دسترسی به نقش‌ها و فرصت‌های نامشروع نیز حالتی نابرابر دارند. در میان افراد محرومیت از وسیله‌های مشروع، ایجاد فشار به سوی فعالیت‌های بزه‌کارانه می‌کند، ولی اینکه آن‌ها در چه نوع الگوهای بزه‌کاری دخیل خواهند شد، بستگی به این دارد که جامعه چه فرصت‌های نامشروعی را در اختیار آن‌ها قرار می‌دهد (Aslani Aslamarz, et al, 2016:41).

بررسی نظریه‌های گرایش به قاچاق از جمله فقر و نظریه‌های رفتار اقتصادی (Durkheim, 2005- Haraghi, 2020- Merton, 2003)، عوامل مؤثر بر قاچاق کالا که تحلیلی بر عوامل اقتصادی و اجتماعی و حتی قانونی برای گرایش به پدیده قاچاق دارد (Buehn, 2008- Dahari, 2019- Rahmani pour & Moradi Dizgerani, 2016- Karimi Zadeh, 2016- Sadi, 2017- Haraghi, 2020- AsadiFard & Hemmati, 2021)، از سوی دیگر بررسی آثار اقتصادی و اجتماعی قاچاق بر اشتغال و توسعه منطقه (Buehn, 2008- Dahari, 2019- Haraghi, 2020- Karimi Zadeh, 2016- Sadi, 2017- Haraghi, 2020)، تحلیل‌های بررسی‌های انجام‌شده ساختارهای قانونی مرتبط با قاچاق کالا و نقش آن در گسترش یا کاهش پدیده، تأثیر فناوری‌ها در این معضل و نقش جوانان و آموزش آنان می‌تواند ابعاد گسترش و گرایش به قاچاق را تبیین کند.

۳- روش پژوهش

روش پژوهش، توصیفی-تحلیلی است، جامعه آماری ۲۰۰ نفر در بندرعباس و قشم و میناب می‌باشد. روش نمونه‌گیری هدفمند، ابزار سنجش پرسشنامه، روایی آن توسط تدوین با همکاری اساتید، پایایی از آلفای کرونباخ و روش تجزیه تحلیل هم از اس پی اس اس استفاده شده است.

برای انتخاب نمونه‌ها، روش نمونه‌گیری هدفمند و در دسترس به کاررفته است. ابزار سنجش در این پژوهش، پرسشنامه است. روایی پرسشنامه صوری بوده، بدین صورت که سؤالات

پرسشنامه، اساتید مورد بررسی قراردادند و اشکال‌های آن رفع گردید. به منظور سنجش پایایی سؤالات پرسشنامه از روش ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. ضریب آلفای کرونباخ از طریق نرم‌افزار SPSS محاسبه گردید که در جدول زیر آمده است:

جدول ۱- ضریب آلفای کرونباخ

متغیر	عوامل اجتماعی- فرهنگی	عوامل اقتصادی	عوامل سیاسی	عوامل ساختاری	عوامل جغرافیایی	عوامل اجرایی- مدیریتی
آلفای کرونباخ	۰/۸۲۴	۰/۸۵۴	۰/۷۷۹	۰/۸۶۹	۰/۸۵۳	۰/۸۶۹
تعداد گویه	۱۱	۱۰	۵	۸	۶	۶

با توجه به مقادیر محاسبه شده آلفای کرونباخ، گویه‌ها از قابلیت اعتماد لازم برخوردار بوده و در پرسشنامه نهایی از سؤالات استفاده گردید. به منظور تحلیل داده‌ها از روش‌های آمار توصیفی، تکنیک‌های آمار استنباطی چون آزمون تی، تحلیل واریانس یک‌طرفه و رگرسیون استفاده شد.

فرضیه‌ها

به نظر می‌رسد بین سن و گسترش و گرایش به قاچاق کالا در استان هرمزگان (سطح تحصیلات افراد، سطح تحصیلات بالاتر، ارتباط بین شغل افراد و گرایش به قاچاق کالا) رابطه وجود دارد.

آیا تفاوت در سطح تحصیلات افراد مؤثر در افزایش یا کاهش میزان گرایش و گسترش قاچاق کالا در هرمزگان مشاهده می‌شود؟

آیا افراد با سطح تحصیلات بالاتر نسبت به افراد با سطح تحصیلات پایین‌تر در هرمزگان تمایل کمتری به شرکت در فعالیت قاچاق کالا دارند؟

آیا ارتباط بین شغل افراد و گرایش به قاچاق کالا در هرمزگان وجود دارد؟

به نظر می‌رسد بین سطح تحصیلات و گسترش و گرایش به قاچاق کالا در استان هرمزگان رابطه وجود دارد.

به نظر می‌رسد بین عوامل اجتماعی - فرهنگی و گسترش و گرایش به قاچاق کالا در استان هرمزگان رابطه وجود دارد.

به نظر می‌رسد بین عوامل اقتصادی و گسترش و گرایش به قاچاق کالا در استان هرمزگان رابطه وجود دارد.

به نظر می‌رسد بین عوامل سیاسی و گسترش و گرایش به قاچاق کالا در استان هرمزگان رابطه وجود دارد.

به نظر می‌رسد بین عوامل ساختاری و گسترش و گرایش به قاچاق کالا در استان هرمزگان رابطه وجود دارد.

به نظر می‌رسد بین عوامل اجرایی-مدیریتی و گسترش و گرایش به قاچاق کالا در استان هرمزگان رابطه وجود دارد.

به نظر می‌رسد بین عوامل جغرافیایی و گسترش و گرایش به قاچاق کالا در استان هرمزگان رابطه وجود دارد.

۴- یافته‌ها

در این قسمت به نتایج به دست آمده از پژوهش در دو بخش توصیفی و استنباطی پرداخته می‌شود. ابتدا به توصیف خصوصیات نمونه مورد مطالعه اشاره می‌شود و سپس تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها بیان می‌شود. یافته‌ها نشان می‌دهد از کل پاسخگویان، ۲۹/۵ درصد در رده سنی ۲۰-۲۹ سال، ۴۰/۵ درصد دارای سن ۳۰-۳۹ سال، ۲۴/۵ درصد در رده سنی ۴۰-۴۹ سال و ۵/۵ درصد در رده بالای ۵۰ سال قرار داشتند. ۸۶/۵ درصد از پاسخگویان مرد و ۱۳/۵ درصد زن بوده‌اند. برحسب وضعیت شغلی، ۲۶/۵ درصد از پاسخگویان دارای شغل دولتی، ۱۱/۵ درصد کشاورزی و ۶۲ درصد دارای شغل آزاد هستند. ۳۱ درصد از پاسخگویان مجرد و ۶۹ درصد متأهل بوده‌اند. از نظر تحصیلات ۴ درصد افراد بی‌سواد، ۳/۵ درصد در سطح ابتدایی، ۷ درصد افراد در سطح راهنمایی، ۱۹ درصد در سطح دبیرستان، ۳۸ درصد در سطح دیپلم و ۲۸/۵ درصد افراد در سطح فوق دیپلم و بالاتر بوده‌اند.

جدول ۲- نتایج آزمون میانگین و انحراف معیار عوامل مؤثر بر گسترش قاچاق کالا

متغیر	میانگین	انحراف معیار
عوامل اجتماعی-فرهنگی	۳۱/۸۳	۸/۳۲
عوامل اقتصادی	۳۶/۳۳	۷/۸۲
عوامل سیاسی	۱۳/۸۶	۴/۷۳
عوامل ساختاری	۲۷/۷۳	۷/۲۸
عوامل جغرافیایی	۲۱/۱۵	۵/۱۶
عوامل اجرایی-مدیریتی	۱۹/۷۱	۶/۴۰

جدول شماره ۲ نشان می‌دهد از میان عوامل تأثیرگذار، عوامل اقتصادی دارای بالاترین تأثیر و عوامل سیاسی دارای کمترین تأثیر بر گسترش قاچاق کالا می‌باشد. در گویه عوامل اقتصادی بیشترین تأثیر مربوط به وجود بیکاری، در گویه عوامل اجتماعی-فرهنگی، تبعیض‌های ناروا و نابرابری اجتماعی و فقر عمومی، در گویه عوامل سیاسی، عدم نظارت صحیح بر مرزها، در گویه عوامل ساختاری، قیمت‌گذاری نامناسب دولتی، در گویه عوامل اجرایی-مدیریتی، نامناسب بودن سیاست‌های تجاری دولتی، در گویه عوامل جغرافیایی، موقعیت و فضای مناسب قاچاق در کشورهای همسایه مهم‌ترین و تأثیرگذارترین عوامل هستند.

جدول ۳- رتبه‌بندی شاخص‌های مؤثر بر قاچاق کالا

رتبه	شاخص	میانگین	انحراف معیار
۱	بیکاری (عوامل اقتصادی)	۴/۰۰	۰/۹۴۰
۲	فقر و تنگدستی (عوامل اقتصادی)	۳/۹۷	۱/۱۷
۳	تفاوت قیمت کالاها در داخل و خارج (عوامل اقتصادی)	۳/۹۶	۱/۰۷
۴	قیمت‌گذاری نامناسب دولتی (عوامل ساختاری)	۳/۷۹	۱/۲۳
۵	درآمد بالای قاچاق (عوامل اقتصادی)	۳/۷۷	۱/۱۴
۶	نابرابری اجتماعی و فقر عمومی (عوامل اجتماعی-فرهنگی)	۳/۷۴	۱/۲۳
۷	ممنوعیت ورود بعضی از کالاها (عوامل اقتصادی)	۳/۷۲	۱/۱۲
۸	موقعیت و فضای مناسب قاچاق در کشورهای همسایه (عوامل جغرافیایی)	۳/۷۲	
۹	اخذ تعرفه گمرکی و سود بازرگانی بالا از واردات کالا (عوامل ساختاری)	۳/۶۵	۱/۲۰

۱/۱۷	۳/۶۳	کمبود امکانات و زیربنای اساسی جهت تولید و افزایش اشتغال(عوامل اقتصادی)	۱۰
۱/۱۹	۳/۶۲	ممنوعیت‌های قانونی صادرات و واردات کالاها(عوامل ساختاری)	۱۱
۱/۱۲	۳/۵۷	کنترل ناکافی مرزها(عوامل جغرافیایی)	۱۲
۱/۲۰	۳/۵۵	ناهماهنگی بین سیاست‌های اقتصادی در قاچاق کالا(عوامل ساختاری)	۱۳
۱/۱۰	۳/۵۴	دسترسی آسان به کشورهای همسایه(عوامل جغرافیایی)	۱۴
۱/۱۵	۳/۵۴	سیستم نامناسب مالیات در کشور(عوامل ساختاری)	۱۵
۱/۲۶	۳/۵۳	نامناسب بودن سیاست‌های تجاری دولتی(عوامل اجرایی-مدیریتی)	۱۶
۱/۳۵	۳/۴۹	فساد اداری(عوامل اجرایی-مدیریتی)	۱۷
۱/۱۲	۳/۴۹	جغرافیای طبیعی مناطق مرزی(عوامل جغرافیایی)	۱۸
۱/۳۲	۳/۴۴	کیفیت مطلوب کالای قاچاق(عوامل اقتصادی)	۱۹
۱/۲۱	۳/۴۱	موقعیت محوری و استراتژیکی ایران (عوامل جغرافیایی)	۲۰
۱/۱۷	۳/۴۱	طول مرزهای ایران(عوامل جغرافیایی)	۲۱
۱/۳۴	۳/۴۰	بالا بودن نرخ بهره بانکی(عوامل ساختاری)	۲۲
۱/۳۲	۳/۳۸	عدم رعایت قواعد و مقررات گمرکی(عوامل اجرایی-مدیریتی)	۲۳
۱/۲۳	۳/۳۵	وجود فاصله اقتصادی بین دو کشور همسایه(عوامل اقتصادی)	۲۴
۱/۳۶	۳/۳۳	وجود انحصارات دولتی و نهادهای عمومی در صادرات و واردات کالا(عوامل ساختاری)	۲۵
۱/۳۲	۳/۳۰	عدم نظارت صحیح بر مرزها (عوامل سیاسی)	۲۶
۱/۴۴	۳/۳۰	فقدان سیستم کنترل و افشای درآمدهای نامشروع کلان در کشور(عوامل اجرایی-مدیریتی)	۲۷
۱/۲۸	۳/۲۹	نیاز داخلی (عدم تناسب بین عرضه و تقاضا) (عوامل اقتصادی)	۲۸
۱/۲۴	۳/۲۹	تبعیض‌های ناروا (عوامل اجتماعی-فرهنگی)	۲۹
۱/۲۷	۳/۲۲	رسیدن به منزلت اجتماعی (عوامل اجتماعی-فرهنگی)	۳۰
۱/۴۵	۳/۲۱	عدم نظارت صحیح سرپرستان و مدیران سازمان‌های مسئول مبارزه با قاچاق کالا (عوامل اجرایی-مدیریتی)	۳۱

جدول ۴- نتایج تحلیل واریانس گسترش و گرایش به قاچاق کالا با سن پاسخگویان

سن	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	F	Sig
۲۹-۲۰ سال	۵۹	۱۴۷/۸۹	۳۳/۴۴	۲/۹۶۵	۰/۰۳۳
۳۹-۳۰ سال	۸۱	۱۴۷/۷۵	۳۰/۶۶		
۴۹-۴۰ سال	۴۹	۱۵۳/۱۴	۲۳/۶۹		
۵۰ سال به بالا	۱۱	۱۷۵/۰۹	۳۰/۴۵		
جمع کل	۲۰۰	۱۵۰/۶۲	۳۰/۴۳		

جدول شماره ۴ رابطه میان سن پاسخگویان و گسترش قاچاق کالا به روش تحلیل واریانس یک طرفه نشان می‌دهد. با توجه به مقدار $F=۲/۹۶۵$ و سطح معناداری به دست آمده $۰/۰۳۳ = Sig$ می‌توان نتیجه گرفت بین رده‌های سنی مختلف و گسترش قاچاق کالا تفاوت وجود دارد. رده‌های سنی ۵۰ سال به بالا با میانگین $۱۷۵/۰۹$ و رده سنی ۴۰ تا ۴۹ سال با میانگین $۱۵۳/۱۴$ بیشترین گرایش به قاچاق کالا دارند.

جدول ۵- نتایج تحلیل واریانس گسترش و گرایش به قاچاق کالا با سطح تحصیلات پاسخگویان

سطح تحصیلات	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	F	Sig
بی‌سواد	۸	۱۹۰/۱۲	۲۲/۰۳	۳/۴۲۹	۰/۰۰۵
ابتدایی	۷	۱۴۶/۷۱	۳۰/۹۳		
راهنمایی	۱۴	۱۴۳/۲۸	۲۸/۹۵		
دبیرستان	۳۸	۱۴۷/۴۴	۳۰/۴۱		
دیپلم	۷۶	۱۵۲/۷۳	۲۹/۳۹		
فوق دیپلم به بالا	۵۷	۱۴۶/۶۴	۲۹/۹۶		
جمع کل	۲۰۰	۱۵۰/۶۲	۳۰/۴۳		

جدول شماره ۵ یافته‌های تحلیل واریانس گسترش قاچاق کالا را با سطح تحصیلات پاسخگویان نشان می‌دهد. با توجه به مقدار F به دست آمده که برابر $۳/۴۲۹$ و سطح معنی‌داری که $۰/۰۰۵$ است، فرضیه ما مبنی بر وجود رابطه معنادار میان سطح تحصیلات و گرایش به قاچاق کالا تأیید می‌شود.

جدول ۶- آزمون رابطه عوامل اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی، سیاسی، ساختاری، اجرایی-مدیریتی و

جغرافیایی با گسترش و گرایش به قاچاق کالا

متغیر	R	R ²	Adj.R ²	اشتباه استاندارد	B	بتا	F	t	Sig
عوامل اقتصادی	۰/۷۷۳	۰/۵۹۷	۰/۵۹۵	۱۹/۳۶	۳/۰۰۷	۰/۷۷۳	۲۹۳/۶۶	۱۷/۱۳۷	۰/۰۰۰
عوامل اجتماعی-فرهنگی	۰/۸۱۳	۰/۶۶۲	۰/۶۶۰	۱۷/۷۴	۲/۹۷	۰/۸۱۳	۳۸۷/۳۲	۱۹/۶۸۱	۰/۰۰۰
عوامل سیاسی	۰/۸۰۵	۰/۶۴۷	۰/۶۴۶	۱۸/۱۲	۵/۱۷۲	۰/۸۰۵	۳۶۳/۳۷	۱۹/۰۶۲	۰/۰۰۰
عوامل ساختاری	۰/۸۲۱	۰/۶۷۳	۰/۶۷۲	۱۷/۴۳	۳/۴۳۱	۰/۸۲۱	۴۰۸/۲۵	۲۰/۲۰۵	۰/۰۰۰
عوامل اجرایی-مدیریتی	۰/۷۸۹	۰/۶۲۳	۰/۶۲۱	۱۸/۷۴	۳/۷۴۷	۰/۷۸۹	۳۲۶/۷۳	۱۸/۰۷۶	۰/۰۰۰
عوامل جغرافیایی	۰/۵۳۸	۰/۲۸۹	۰/۲۸۶	۲۵/۷۲	۳/۱۷۱	۰/۵۳۸	۸۰/۶۲	۸/۹۷۹	۰/۰۰۰

همان‌گونه که داده‌های جدول ۶ نشان می‌دهد ضریب همبستگی بین عوامل اقتصادی و گسترش و گرایش به قاچاق کالا $R = 0/773$ به دست آمده که بیانگر وجود همبستگی مثبت بین متغیرهاست. مقدار $R^2 = 0/597$ نشان می‌دهد که عوامل اقتصادی ۵۹/۷ درصد از واریانس متغیر وابسته را در جمعیت نمونه تبیین می‌کند. همین مقدار برای کل جامعه آماری ۵۹/۵ درصد است.

همبستگی بین عوامل اجتماعی-فرهنگی و گسترش و گرایش به قاچاق کالا $R = 0/813$ به دست آمد که این امر نشانگر وجود همبستگی مثبت بین این دو متغیر است. با توجه به مقدار $R^2 = 0/662$ می‌توان گفت عوامل اجتماعی-فرهنگی ۶۶/۲ درصد از واریانس متغیر وابسته را در نمونه و تنها با کمی کاهش یعنی ۶۶/۰ درصد از واریانس متغیر وابسته را در کل جامعه آماری تبیین می‌کند.

ضریب همبستگی به دست آمده بین عوامل سیاسی و گسترش و گرایش به قاچاق کالا $R=0/805$ می باشد که گویای وجود همبستگی بین عوامل سیاسی و گسترش و گرایش به قاچاق کالا می باشد. مقدار $R^2=0/647$ نشان می دهد که عوامل سیاسی $64/7$ درصد از واریانس متغیر وابسته را در نمونه تبیین می کند. درصد تبیین واریانس متغیر وابسته توسط عوامل سیاسی در کل جامعه آماری نیز $64/6$ درصد می باشد.

با توجه به نتایج جدول ۶ همبستگی بین عوامل ساختاری و گسترش و گرایش به قاچاق کالا $R=0/821$ به دست آمد که نشان دهنده وجود رابطه بین دو متغیر یاد شده می باشد. مقدار $R^2=0/673$ نشان می دهد که عوامل ساختاری $67/3$ درصد واریانس متغیر وابسته را در نمونه مورد مطالعه و تنها با یک دهم کاهش $67/2$ درصد واریانس متغیر وابسته را در کل جامعه آماری تبیین می کند.

بر اساس نتایج به دست آمده از جدول ۶ میان عوامل اجرایی-مدیریتی و گسترش و گرایش به قاچاق کالا همبستگی $R=0/789$ وجود دارد. مقدار $R^2=0/623$ نشان می دهد که عوامل اجرایی-مدیریتی $62/3$ درصد از واریانس متغیر وابسته را در نمونه تبیین می کند. همین مقدار برای کل جامعه آماری $62/1$ درصد است.

ضریب همبستگی به دست آمده بین عوامل جغرافیایی و گسترش و گرایش به قاچاق کالا $R=0/538$ می باشد که بیانگر وجود رابطه بین دو متغیر است. با توجه به مقدار $R^2=0/289$ می توان گفت عوامل جغرافیایی $28/9$ درصد از متغیر وابسته را در نمونه و تنها با کمی کاهش یعنی $28/6$ درصد از واریانس متغیر وابسته را در کل جامعه آماری تبیین می کند.

رگرسیون چندمتغیره

جدول ۷- عناصر اصلی تحلیل چند متغیره برای پیش بینی متغیر وابسته به روش مرحله به مرحله

نام متغیر	R	R^2	Adj. R^2	اشتباه استاندارد	F
عوامل ساختاری	0/821	0/673	0/672	17/43	408/250
عوامل سیاسی	0/929	0/863	0/862	11/31	621/010
عوامل اقتصادی	0/958	0/918	0/917	8/76	735/003
عوامل اجتماعی-	0/979	0/958	0/958	6/26	1124/368

					فرهنگی
۱۹۹۷/۲۳۹	۴/۲۵	۰/۹۸۰	۰/۹۸۱	۰/۹۹۰	عوامل جغرافیایی
	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰	عوامل اجرایی- مدیریتی

همچنان که از ارقام جدول ۷ مشخص می‌شود، پس از وارد شدن تمام متغیرها، نهایتاً شش متغیر وارد معادله شده‌اند که در جدول مشخص می‌باشد. همان‌گونه که مشاهده می‌شود متغیرهای مدل قادر به پیش‌بینی ۱/۰۰۰ درصد از تغییرهای واریانس متغیر وابسته می‌باشند. با توجه به مقادیر بتا، از میان متغیرها، متغیر عوامل ساختاری با میزان بتای ۰/۸۲۱ توانسته است بیشترین مقدار از واریانس گسترش و گرایش به قاچاق کالا را تبیین و پیش‌بینی کند، بنابراین تأثیرگذارترین متغیر در گسترش قاچاق کالا می‌باشد. متغیر عوامل سیاسی با بتای ۰/۵۱۴ و عوامل اقتصادی با بتای ۰/۳۲۱ در رتبه سوم و عوامل جغرافیایی با بتای ۰/۱۷۶ کمترین تأثیر را بر گسترش قاچاق کالا در استان داشته است.

جدول ۸- ضرایب متغیرهای معادله پیش‌بینی متغیر وابسته

نام متغیر	B	بتا	t	Sig
عوامل ساختاری	۳/۴۳۱	۰/۸۲۱	۲۰/۲۰۵	۰/۰۰۰
عوامل سیاسی	۳/۳۰۳	۰/۵۱۴	۱۶/۵۲۲	۰/۰۰۰
عوامل اقتصادی	۱/۲۴۸	۰/۳۲۱	۱۱/۵۱۹	۰/۰۰۰
عوامل اجتماعی- فرهنگی	۱/۰۹۴	۰/۲۹۹	۱۳/۷۱۳	۰/۰۰۰
عوامل جغرافیایی	۱/۰۴۱	۰/۱۷۶	۱۵/۱۳۴	۰/۰۰۰
عوامل اجرایی- مدیریتی	۱/۰۰۰	۰/۲۱۱		

Constant = ۱/۰۶۶

بنابراین شکل نهایی معادله با استخراج ضرایب خام (B) به صورت زیر می‌باشد:

عوامل اجرایی-مدیریتی (۱/۰۰۰) + عوامل جغرافیایی (۱/۰۴۱) + عوامل اجتماعی-فرهنگی (۱/۰۹۴) + عوامل اقتصادی

$Y_1 = 1/0.66 + (3/431)$ عوامل ساختاری + عوامل سیاسی (۳/۳۰۳) + (۱/۲۴۸)

۵- بحث و نتیجه گیری

پدیده قاچاق کالا در سال‌های اخیر به صورت معضل بزرگی بر زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشور حاکم شده است. مسئله بیکاری و درآمد پایین باعث می‌شود مردم برای تأمین معاش و گذران زندگی خود، به انواع شغل‌های کاذب و غیررسمی روی آورند. یکی از فعالیت‌های غیررسمی، قاچاق می‌باشد. افزایش بیکاری و مشکلات ناشی از آن، تغییرات الگوی مصرف از جمله مواردی است که می‌توان به‌عنوان پیامدهای قاچاق در جامعه نام برد. قاچاق کالا و لزوم مبارزه با آن از مباحث مهم کشور در عرصه اقتصادی به شمار می‌رود. معضل قاچاق کالا نه فقط سیستم اقتصادی یک کشور را متأثر می‌سازد و گاه ضربات سنگینی به آن وارد می‌کند، بلکه تأثیرات فراوانی بر پیکره فرهنگی- اجتماعی و سیاسی یک جامعه دارد. بنابراین پدیده قاچاق کالا پدیده‌ای تک علتی نیست و محصول و پیامد مجموعه عوامل اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی است. لذا، کاهش و کنترل آن برنامه‌ای همه‌جانبه را می‌طلبد. در این راستا برای این‌که بتوان پدیده قاچاق کالا را تحت کنترل درآورد نیازمند درک ریشه‌ای علل و عوامل مؤثر بر این پدیده می‌باشد. این پژوهش باهدف بررسی علل و عوامل مرتبط با گرایش و گسترش قاچاق کالا در استان هرمزگان انجام شد. از روش پیمایشی و تکنیک پرسشنامه برای جمع‌آوری داده‌ها بهره گرفته شد. جامعه آماری شامل قاچاقچیان دارای سابقه قاچاق کالا که به‌صورت کل شمار ۲۰۰ نفر که در ادارات گمرک، نیروی انتظامی یا دادگاه‌های مربوطه دارای پرونده تخلف بوده و در روز جمع‌آوری اطلاعات در ادارات مذکور حضور داشتند، به‌عنوان نمونه انتخاب گردیدند. داده‌های گردآوری‌شده از نظر آماری برای آزمون فرضیه‌ها مورد بررسی قرار گرفتند و نتایج زیر به دست آمد:

نتایج این پژوهش حاکی از آن است که وجود بیکاری، فقر و تنگدستی، تفاوت قیمت کالاها در داخل و خارج، قیمت‌گذاری نامناسب دولتی، درآمد بالای قاچاق از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین عوامل گسترش قاچاق کالا در استان می‌باشند. از میان عوامل تأثیرگذار، عوامل

اقتصادی دارای بالاترین تأثیر و عوامل سیاسی دارای کمترین تأثیر بر گسترش قاچاق کالا می‌باشد.

یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که میان عوامل ساختاری، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی، جغرافیایی، اجرایی-مدیریتی و گرایش و گسترش قاچاق کالا رابطه معناداری وجود دارد. در این زمینه نتایج این تحقیق با نتایج تحقیق‌های مسعودی و میرزائی (۱۳۹۳)، جان‌پرور و قصری (۱۳۹۳)، کریم زاده (۱۳۹۵)، قراگوزلو (۱۳۹۶)، سعدی (۱۳۹۶)، حراقی و همکاران (۱۳۹۹) هماهنگ می‌باشد.

به‌طورکلی با استفاده از رگرسیون چند متغیره، به شیوه مرحله‌به‌مرحله مشخص شد که ۶ متغیر بیشترین تأثیر را بر گرایش و گسترش قاچاق کالا دارند. این شش متغیر که در شش مرحله وارد معادله شدند عبارت‌اند از: متغیر عوامل ساختاری، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی، جغرافیایی و اجرایی-مدیریتی. در مجموع شش متغیر یادشده توانستند ۱/۰۰۰ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین نمایند.

پیشگیری از قاچاق کالا در استان هرمزگان با مساعی نهادهای مختلف جامعه که با پدیده مذکور در ارتباط هستند، میسر است. از طرف دیگر راهکارهای پیشگیری از قاچاق کالا در این منطقه به‌وسیله کاهش عوامل تحریک قاچاق کالا محقق می‌شود و مسائلی مانند برخورد سریع و قاطع با سرشاخه‌های اصلی قاچاق بالاترین تأثیر را در پیشگیری از قاچاق کالا، از طریق روش‌های تحقیقات پلیسی و شگردهای فناورانه در استان هرمزگان دارد. لذا با توجه به مطالب عنوان‌شده پیشنهادات زیر ارائه می‌شود:

- ایجاد تدابیر تقویت امنیتی در استان هرمزگان
- اصلاح سیاست‌های اقتصادی در استان هرمزگان
- هماهنگی بین نهادهای دولتی اجرایی و قانون‌گذاری و سیاست‌گذاری در استان هرمزگان
- نظارت کامل و اعمال عدالت در پیگیری قاچاق
- اجرای برنامه‌های آموزشی جهت افزایش آگاهی جامعه و تقویت همکاری بین مردم
- ایجاد اشتغال و درآمد پایدار در حوزه‌های شهری و روستایی، از این طریق دولت می‌تواند با سرمایه‌گذاری و همچنین صرف بخشی از اعتبارات مبارزه فیزیکی با قاچاق کالا و انسداد

مرزها از طریق سرمایه‌گذاری‌های مولد هم باعث کاهش بیکاری و هم ایجاد منبع درآمدی برای خانوارها و ارتقاء وضعیت معیشتی مردم منطقه شود. در این مقاله، تلاش شده است تا عوامل مؤثر که در گرایش و گسترش قاچاق کالا در استان هرمزگان تأثیرگذار هستند، مورد بررسی قرار گیرد. عواملی چون فرآیندهای اداری در ادارات گمرک، نظام حمایتی و نظارتی، وضعیت اقتصادی منطقه و نقش نیروهای انتظامی و دستگاه قضائی در پیشگیری از قاچاق، به‌عنوان اجزاء اساسی تجزیه و تحلیل شده‌اند. همچنین، این تحقیق با توجه به ویژگی‌های جغرافیایی منطقه، ارتباطات بین‌المللی و اثرات احتمالی تحریم‌ها و سیاست‌های اقتصادی بر گرایش به قاچاق در قاچاقچیان این منطقه پرداخته است. مهم‌ترین نکته در اینجا این است که برای کاهش قاچاق، لازم است سیاست‌های جامع و کامل و هماهنگ و منسجمی در حوزه‌های اقتصادی، اداری، نظام حمایتی و نظارتی و انتظامی اجرا گردد.

نتایج حاصل از تحقیق نشان می‌دهند که وجود فشارهای اقتصادی، نظام اداری ناسازگار و ضعف در نظام حمایتی و نظارتی و انتظامی و همچنین امور اقتصادی می‌توانند به‌عنوان عوامل اصلی در گرایش و گسترش قاچاق کالا در استان هرمزگان تأثیرات عمده‌ای داشته باشند. ارائه تدابیر اصلاحی برای بهبود فرآیندهای اداری و نظام حمایتی، تقویت نظارت اقتصادی و تحقیقات بیشتر در زمینه اثرگذاری نیروهای انتظامی و دستگاه قضائی می‌تواند به کاهش این معضل و پدیده، همچنین به پیشگیری از گسترش قاچاق کمک کند. همچنین تسهیلات اقتصادی، اصلاحات در نظام حقوقی و اداری، تقویت نیروهای انتظامی و افزایش هماهنگی میان ادارات مختلف می‌توانند به‌عنوان راهکارهای کلیدی در کاهش گرایش به قاچاق و کنترل آن مطرح گردند. این تحقیق به‌عنوان یک راهنمای اساسی برای سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران منطقه‌ای و ملی، جهت ایجاد سیاست‌ها و برنامه‌های کارآمد در جلوگیری از گسترش قاچاق کالا، مفید است.

—شناسایی روش‌های مناسب برای مقابله با قاچاق، تقویت و تجهیز واحدهای اجرایی مبارزه با قاچاق کالا و نیز استفاده از نظام اطلاعات جغرافیایی در مدیریت و برنامه‌ریزی مبارزه با قاچاق

-اطلاع‌رسانی درست و مناسب از طریق رسانه‌های جمعی جهت آگاه کردن مردم از اثرات سوء قاچاق کالا برای کشور و منطقه و درنهایت تشویق آنان به مشاغل جایگزین و مناسب

-حمایت از تولیدات داخلی و ترغیب تولیدکنندگان به بالا بردن سطح کیفیت کالاها

-تقویت تعاونی‌ها و بازارچه‌های مرزی به منظور کاهش اقتصاد زیرزمینی

-فرهنگ‌سازی در ارتباط با مصرف کالاهای داخلی

-نظارت بر تبلیغات کالاهای خارجی از طریق رسانه‌های جمعی

-تفاهم و هماهنگی با کشورهای همسایه برای مراقبت از مرزهای مشترک

-افزایش همکاری‌های بین‌المللی برای کاهش تردد قاچاق از مسیر ایران

-تشدید مجازات در برخورد با قاچاقچیان

-ایجاد صنایع کوچک و روستایی و زیرساخت‌ها به منظور کاهش فقر و محرومیت

-ارائه تسهیلات جهت گسترش مبادلات اقتصادی به صورت رسمی جهت کاهش مبادلات غیررسمی

-گسترش مبادلات اقتصادی به‌ویژه در بخش کشاورزی جهت افزایش کیفیت زندگی و بهبود وضعیت معیشتی

سپاسگزاری

نویسندگان بر خود لازم می‌دانند مراتب تشکر صمیمانه خود را از جناب سرهنگ شکوه، جناب سرگرد محمودی زاده و همچنین همکاران فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای سیاسی جهت بررسی مقاله و رفع نواقص، اعلام نمایند.

کتابنامه

1. Aregbeyen, O., (2012). An investigation of the Severity, causes, Impact and Actions against Counterfeiting and Smuggling in Nigeria. *Mediterranean Journal of Social Sciences*, 3(1), 379-392. https://www.researchgate.net/publication/266163781_ DOI: [10.5901/mjss.2012.03.01.379](https://doi.org/10.5901/mjss.2012.03.01.379)

2. AsadiFard, M., & Hemmati, J., (2021). Identifying the Causes and Consequences of Using Illegal Weapons in Kermanshah Province. *Quarterly of Police Management Research*, 16(2), 73-101. [In Persian]
3. Aslani Aslamarz, A., Dindarlou, S., & Aslani Aslamarz, O., (2016). Studying the effective social factors in tendency of frontiersmen of Baneh to goods smuggling. *Journal of Social Order*, 7(2), 33-56. [In Persian]
4. Bhagwati, J & Hansen, B., (2006). A theoretical analysis of smuggling. *The Quarterly Journal of Economics*. *Oxford University Press*, 87 (2), 172-187. <https://ideas.repec.org/a/oup/qjecon/v87y1973i2p172-187.html>
5. Bittinger, J., (2014). *Social Bonds As Predictors of College Student Willingness to Report Hazing*. University of Maryland, College Park.
6. Buehn, A., (2008). Smuggling around the world: evidence from a structural equation model, Smuggling first draft. Doc first draft 28.02.08 ljubljana, slovenia, august, 25-27. <https://www.zew.de/en/publications/>.
7. Dahari. Rafidah, Nor, Azizan, Idris., Zarina, Othman., (2019). Influencing External Factors for Small Arms Light Weapon Smuggling at Malaysia-Thailand Border. *Asian Social Science*, 15(3):14-. doi: 10.5539/ASS.V15N3P14
8. Dehkhoda, A., (1961). *Dictionary*. volume 28, University of Tehran. [In Persian]
9. Durkheim, E., (2005). *Le Suicide: Etude de Sociologie*. France, Paris: Librairie Felix Alcan, 264-311.
10. Gharagoozlo, H., (2019). Analysis of factors affecting the smuggling of goods in Iran, *Hidden Economy*, 2(2), 69-88. [In Persian]
11. Haraghi, M., Darvishi, A., & Haraghi, M., (2020). Investigating the Causes of the Tendency of Some Border Residents to Smuggling Goods (Case Study: Bushehr Border Province). *Journal of Border Science and Technology*, 9(2), 33, 123-154. [In Persian]
12. Janparvar, M., & Ghasri, M., (2014). Determining Affecting Factors on Goods Smuggling Across Borders, Border Management of Iran as a First Strategy. *Journal of Police Geography*, 2(7), 55-86. [In Persian]
13. karimzadeh, M., (2017). On the investigation of factors affecting goods smuggling and its impacts on the economy of border city of Saravan. *Journal of Social Order*, 8(2), 17-32. [In Persian]
14. Kohnehpooshei, H., & Shayan, H., (2013). Investigating the economic effects of goods smuggling on border cities Case study: Marivan city. *Journal of Applied Researches in Geographical Sciences*, 13(29), 51-73. [In Persian]
15. kohnehpooshei, H., Galalian, H., (2013). Effects of Smuggling on the Economic of Border Villages of Iran Case: Khaw and Mirabad District in Marivan. *Geography and Development Quarterly*, 11(32), 61-74. [In Persian]

16. Kondori, A., & Sadeghi, H., (2022). Combating the smuggling of goods and its impact on the economic and social security of society. *Karagah Scientific Journal*,16(58), 49-74. [In Persian]
17. Masoudi, A., & Mirzaie,M.,(2014).The Investigation of Factors Affecting Smuggling in Border Provinces (Case Study: Kurdistan Province). *Journal of Border Studies*,2(1),21-44. [In Persian]
18. Merton, R., (2003). *Social Structure and Anomie*. American Sociological Review, 672-682.
19. Mousavi, A., Bakhtiari, H., Hendiani, A., & Safari Kakroudi,A., (2021). A Model for Preventing and Combating Smuggling of Goods and Currency Based on the Idea of the Supreme Command of the Armed Forces. *Quarterly of Police Management Research*,16(1),9-28. [In Persian]
20. Musaei, M., & Ahmadzadeh, M.,(2011). Examining the relationship between social education and committing to smuggling goods. *Commercial Surveys*,8(43),69-77. [In Persian]
21. Rahmani pour ,A., & Moradi dizgerani, M., (2016).Setting effective factors on attraction toward goods smuggling in Borders Provinces; Case Study Kermanshah Province. *Journal of Border Studies*, 3(4),159-180. [In Persian]
22. Saadi, S., (2018). Investigation and analysis of factors affecting the smuggling of goods in border areas (case study: Marivan city). *Economy*,2(5), 74-98. [In Persian]
23. Samadian,M., Kalaki, H., & Barati Mosleh, M.S.,(2014).Reviewing Consequences of Smuggling from Societal Security Viewpoint. *Social Security Studies*,5(38),13-30. [In Persian]
24. Schneider, F., & Enste,D., (2005). Shadow economies around the world: size,causes and consequence. *journal of economic literature*,38. <https://www.imf.org/external/pubs/ft/wp/2000/wp0026.pdf>.
25. Sfyridis. A., Tao, Ch.,, Vespe, M., (2017). Detecting vessels carrying migrants using machine learning. *ISPRS Annals of the Photogrammetry, Remote Sensing and Spatial Information Sciences*, 53-60. doi: 10.5194/ISPRS-ANNALS-IV-4-W2-53-2017
26. Shakibaiy, A., (2001). *Estimation of Informal Economy in Iran and Analysis of Its Causes (Fuzzy Logic Routing)*. (Master of Art), Tarbyate Modarres university.
27. Zare Shahabadi, A., Maroofi, M., Khani, A., & Kavei, N., (2020). Relationship Between Smuggling of Goods and Economic, Human and Social Capital of Border Residents (Baneh City in Kurdistan Province). *Social Welfare Quarterly*, 20(77), 105-139. [In Persian]